

## مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش های الهی اسلام

محسن رنجبری<sup>۱</sup>، مصطفی بسطامی<sup>۲</sup>، محمود بلوچ<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

<sup>۳</sup> استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

### چکیده

مدیریت اسلامی ضمن توجه به روش ها و فنون مدیریتی که در مدیریت غربی به آن پرداخته شده است به انسان نیز توجه اکید و خاص داشته و تمامی فعالیت ها و وظایف مدیریت را حول محوریت انسان طراحی می کند که از دیدگاه نگارنده، مدیریت اسلامی و مدیریت غربی در بسیاری از موارد در تقابل و ضدیت با هم نیستند ولیکن مدیریت اسلامی در سطحی بالاتر از مدیریت غربی به مسایل مدیریت با محوریت انسان توجه دارد. در این مقاله بر آنیم تا ضرورت توجه به مدیریت اسلامی در حکومتی اسلامی، مفاهیم و تعاریف مدیریت اسلامی از دیدگاه برخی از صاحب نظران مورد بررسی قرار داده و سپس به وجوه کلی تفاوت های مدیریت اسلامی و مدیریت غربی به صورت مختصر اشاره نماییم. به نظر می رسد پیاده سازی و تمرکز بر روی مدیریت اسلامی، موانع و مشکلاتی را در پیش رو دارد که از آن جمله می توان به عدم آشنایی عموم با قابلیت های مدیریت اسلامی، سیطره نفوذ مدیریت غربی، ابهام در معنا و مفهوم مدیریت اسلامی، نبود نگاه راهبردی به مقوله مدیریت اسلامی، بی توجهی به انجام پژوهش در زمینه مدیریت اسلامی و نبود مفهوم مشخص از مدیریت اسلامی در سطوح سازمانی اشاره کرد.

**واژه های کلیدی:** مدیریت اسلامی، تعالی انسان، اسلام، حکومت، مدیریت غربی، ارزش های الهی، خود باوری

## مقدمه

در طول تاریخ همواره مدیریت به انواع مختلف وجود داشته و زمینه پایداری و دوام حکومت ها را ساخته است. با پیشرفت جوامع و با افزایش علم و آگاهی بشر در استفاده از ابزار و امکانات، تاثیر مدیریت در پیشرفت بشر نیز افزایش یافت که همراه با آن نظریه های مختلف و متفاوتی که از دیدگاه های گوناگون به انسان نگاه می کردند نیز ارایه گردید که وجه مشترک تمامی این دیدگاه ها، هدف گرا بودن و توجه به نتیجه می باشد که در این راستا، انسان گاهی به اندازه یک وسیله و ابزار مورد توجه قرار گرفته و گاه به آن در سطوح بالاتر توجه شده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران مدیریت به عنوان یکی از وجوه اداره حکومت و فرایندی که باید تحت تاثیر نگرش تازه و جدید ارزشی حاکم بر کل جامعه قرار داشته باشد مورد توجه قرار گرفته است.

از مهمترین فرض هایی که در اینجا مورد توجه قرار گرفته است می توان به موارد زیر اشاره نمود:

نیاز جوامع به مدیریت، نیاز جوامع با فرهنگ و حکومت اسلامی به مدیریت اسلامی، تأثیر گذاری مکتب الهی اسلام، بر روی مدیریت اسلامی و ارزشی بودن این نوع مدیریت، الگو و نمونه بودن مدیر در مدیریت اسلامی، انسانی بودن سازمان در مدیریت اسلامی به جای سازمانی بودن انسان .

## تعاریف مدیریت اسلامی

متناسب با نیاز روز افزون به جذب درجه های بسیار بالای پیچیدگی و عدم قطعیت در سازمان های تجاری، رویکرد سنتی «مدیریت بر مبنای دستورالعملها» که در ابتدای قرن ۲۰ بسیار مقبول بود، از دهه ی ۱۹۶۰ تاکنون جای خود را به «مدیریت بر مبنای اهداف» داده است و امروزه رویکرد دیگری در حال تکوین است که از آن به عنوان «مدیریت بر مبنای ارزشها» نام می برند که مدیریت اسلامی از جمله استراتژی هایی می باشد که این مقوله را به طور خاص مورد توجه قرار داده است.

تعاریف بسیاری از بزرگان و نویسندگان در ارتباط با مدیریت اسلامی وجود داشته که هر یک به فراخور برداشت و ذهنیت های خود از اسلام، مبانی اخلاق و سیره پیامبر (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به این موضوع پرداخته اند که از نظر نوع نگاه نیز ( در عین نزدیک به هم بودن ) متنوع می باشند که به تعدادی از آن ها اشاره می شود:

در مدیریت اسلام (اسلامی)، ابتدا محور رابطه با الله و حرکت به سوی او همراه با قادر مطلق دانستن و شهادت به یگانگی خداوند متعال یعنی فقط یاری و کمک طلبیدن از او منظور است ( مشرف جوادی، ۱۳۸۷ ص ۱۱).

«مدیریت در اسلام» بدون در نظر گرفتن اعتقاد به معاد و یا دنیای دیگر ناقص است. در واقع مطلب و مسائل مدیریت در اسلام، جدا از دنیای دیگر همان مدیریت غربی است، یعنی کلیه ی اعمال و رفتار انسان ها و یا مدیران باید بر مبنای جهان بینی توحیدی باشد و فلسفه توحیدی ایجاب می کند که اعمال یک مدیر، علاوه بر انطباق با جهان بینی توحیدی، با اصول و اهداف جامعه اسلامی نیز تطبیق داشته باشد ( مشرف جوادی، ۱۳۸۷ ص ج ).

آیه ... مصباح یزدی نیز برای مدیریت اسلامی سه معنی و برداشت قائل می باشند: "... بررسی شیوه ی مدیران مسلمان در طول تاریخ امت اسلامی، تحلیل شیوه های مدیریت مسلمان و نشان دادن خصلت هایی است که از مسلمان بودن آنان نشأت گرفته است و معنای سوم این که مسائل مدیریت اسلامی را در منابع اسلامی (قرآن و سنت) مورد بررسی قرار دهیم و سیره ی مدیران معصوم (ع) را نیز به عنوان سنت عملی مورد توجه قرار دهیم".

مدیریت از دیدگاه اسلام که در جامعه اسلامی جریان می یابد در مسیر نزدیکی به ... قرار دارد، بدین معنی که در کلیه ی سطوح آن زهد و تقوی پیشه می شود، سعی در بخشش و ارشاد فزونی می یابد و جلب رضایت اکثریت بیشتر می گردد (عسگریان، ۱۳۷۰، ص ۵۲).

مدیریت « هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (نبوی، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

مدیریت اسلامی، یعنی آن بخش از مدیریت و فرآیند آن، که مستند به وحی الهی و منابع اسلامی باشد و وجه تمایز آن با دیگر مدیریت ها در مبتنی بر وحی بودن، نبود نظام بهره‌کشی انسان از انسان، مبتنی بودن بر ارزش های متعالی، مطلق و ثابت و استوار بودن بر پایه ی تعالی، کرامت و شرافت انسان ها می باشد. (قبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۲).

مدیریت در جوامع غربی، به ارزش های انسانی در حد توجه به محصول «مدیریت سود، افزایش قدرت رقابت، کیفیت محصول، افزایش سهم بازار...» عنایت دارد، در حالی که مدیریت با رویکرد اسلامی اعتلای ارزشها و تعالی انسان ها را به عنوان هدف مورد توجه قرار می‌دهد. مرور مختصری بر آنچه که به عنوان پیش فرض های مدیریت اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است. نافی آنچه که به عنوان تکنیک ها و روش ها مورد توجه مدیر (در هر جامعه و با هر رویکرد) قرار می‌گیرد نیست.

در هر حال بررسی تعریف های مورد اشاره نشان می‌دهد که:

۱- مدیریت اسلامی از دیدگاه محققین مبتنی بر مکتب اسلام بوده و به طور کامل تحت تأثیر آن قرار دارد به گونه‌ای که رعایت شئون اسلامی در این مدیریت اولین وظیفه مدیر محسوب می‌شود.

۲- در مدیریت اسلامی توجه به نظام ارزشی اسلام (اخلاق، تقوی، عدالت طلبی، خدمت و امانت بودن مدیریت و...) و حفظ آن اهمیت ویژه‌ای داشته و در اولویت قرار دارد.

۳- وظیفه ی مدیر، در مدیریت اسلامی تنها افزایش تولید نیست و توجه به انسان به عنوان اشرف مخلوقات (که خداوند آسمان ها و زمین را مسخر او کرده است) و تعالی وی در اولویت بالاتری از تولید قرار دارد.

۴- در مدیریت اسلامی مدیریت و هدایت انسان ها به سوی کمال وظیفه اصلی قلمداد می‌شود.

۵- مدیریت در اسلام امانتی است که باید در نگهداری و رساندن آن به کسی که اهلیت آن را دارد دقت وافر به خرج داد. در واقع نمی‌توان این مسئولیت را به هر کس سپرد.

۶- سازمان در مدیریت مجموعه‌ای از انسان ها است که از طریق هم افزایی توان آن ها (که در مدیریت اسلامی در جهت رسیدن به کمال قرار دارند) در خدمت انسان قرار می‌گیرد. در این رهگذر در یک عرصه رفت و برگشت، افراد با کار جهت یافته خود سازمان را به نتایج دلخواه می‌رسانند و مجموعه سازمان (مدیریت و کارکنان) نیز از بازتاب نتایج کار خود، هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی بهره‌مند می‌شوند.

۷- در مدیریت اسلامی، مدیر به عنوان الگو و اسوه مطرح است و بر همین مبنا نیز باید رفتار خود را تنظیم نماید.

### تفاوت مدیریت اسلامی با مدیریت غربی

میان مدیریت از دیدگاه صاحب نظران غربی و مدیریت اسلامی، آنچه که به عنوان روش ها، تکنیک ها، وظایف مدیر و... در نظریه‌های غربی مطرح گردیده است، در مدیریت از منظر اسلام نیز مورد توجه قرار دارد، در واقع آن وجوه از جنبه‌های رفتاری، شخصیتی، ارزشی، آرمانی و آنچه که مورد توجه مدیریت در جوامع غربی نیست و یا کمتر مورد توجه قرار دارد در نظریه‌های مدیریت اسلامی مورد توجه بیشتری قرار دارد و این بدان معنی نیست که در مدیریت از نظر اسلام برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، کنترل و... که از وظایف مدیریت محسوب می‌شود و رویکرد اسلامی مدیریت مورد توجه قرار ندارد، نکته اصلی در این است که در مدیریت اسلامی اقلامی دیگر نیز همسنگ وظایف مدیر و اصول مدیریت اهمیت داشته و در مواردی اولویت و جلوه بیشتری می‌یابد و اخلاق و مسائل اخلاقی - ارزشی اهمیتی بیش از کسب هدف (تولید) دارند و به عبارت بهتر در اولویت بالاتری قرار گرفته‌اند.

به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد در دیدگاه صاحب نظران غربی که مدیریت و رهبری را تعریف کرده‌اند، انجام دادن کار و نیل به هدف رهبر و مدیر به وسیله ی انسان ها و سازمان مطرح است و در این راستا هنر و توانایی مدیر و رهبر در به کار

گرفتن همه ی قابلیت های پیروان و کارکنان و چگونگی افزایش این توانایی در به کارگیری این قابلیت ها، نقطه ی اصلی توجه صاحب نظران غربی علوم مدیریت است، این در حالی است که از نظر اسلام، چگونگی به کارگیری قابلیت های پیروان و نیل به هدف، نحوه ی اعتلاء و رشد معنوی کارکنان و ضرورت آن ها به سوی خداوند نیز از اقسام تعیین کننده و مهم است که مقدم بر رسیدن به هدف است. در واقع در این رویکرد، مدیر و رهبر تنها در چارچوبی از محدودیت ها که ارزشهای الهی و اسلامی برای وی تعیین کرده اند، مجاز به ارائه دستور و رهنمود است.

در واقع هنگامی که بحث حفظ شأن و مرتبت انسان ها در سازمان و جامعه مطرح می شود و تعالی انسان ها و رشد آن ها در مسیر الهی در اولویت اول قرار می گیرد و سازمان اسلامی ( کیا، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵) جای انسان سازمانی را می گیرد، وجوه تفاوت دو دیدگاه به صورت عمده پدیدار می شود (این بحث جدا از نیت عمل، و نیز وظیفه گرا بودن مسلمان، مواردی که در دیدگاه الهی اسلام از مباحث مهم و تعیین کننده است مطرح می شود).

### موانع فراروی مدیریت اسلامی در جامعه

مدیریت اسلامی، در واقع رویکردی نو و تازه از مدیریت در جامعه است. به نظر می رسد مانند هر پدیده ی نو و تازه در جامعه برای رواج یافتن با موانعی رو به رو باشد. از جمله این موانع می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- سیطره و نفوذ رویکرد غربی در جامعه، خود باختگی دانشمندان، دانشجویان در برابر رویکرد مدیریت غربی در حدی که به رویکرد اسلامی مدیریت اجازه ی رشد نمی دهد.

۲- عدم آشنایی مدیران و مردم با قابلیت های مدیریت اسلامی و بی اعتقادی به کاربردی کردن آن در کنار شیفتگی بخش عمده ای از صاحب نظران زمینه های مدیریت در جوامعی مانند ایران به مکاتب مدیریت غربی، مدیریت اسلامی نیز در جامعه ایران اسلامی تا حدود زیادی مهجور و نا آشنا و غریب مانده است و این امر موجب شده است که چیرگی نظریه های مدیریت غربی، گستردگی و عمق بیشتری بیابد. این امر علیرغم وجود منابع غنی و پشتوانه قابل توجه نظری در مورد مدیریت در جامعه اسلامی است.

۳- نبود تعریف مشخصی از مدیریت اسلامی  
مشکل و مانع دیگر در رویکرد اسلامی مدیریت، محدودیت شدید مطالعات مبتنی بر شیوه های بررسی علمی در حوزه مدیریت اسلامی، خاصه مدیریت در سازمان ها است. اسلام به اقتضای داعیه ی اصلی خود در ایجاد حکومت، مدیریت را در سطح جامعه مورد توجه قرار داده است و در این میان جای بررسی هایی که سطح مدیریت را تا حد سازمان کشانده و از دیدگاه سازمانی به این مقوله توجه کنند، کاملاً خالی است.

۴- نبود و یا محدودیت زمینه های نظری در مورد مدیریت اسلامی در سطح سازمان  
همچنانکه اشاره شد در مورد مدیریت در جامعه اسلامی، به دلیل اهمیت خاص مقوله رهبری (و مدیریت) و چگونگی رابطه میان رهبران و مدیران با پیروان و سایر افراد جامعه منابع زیادی ( در قرآن، روایات، احادیث و...) وجود دارد که می توان از آنها چگونگی رفتار رهبران را با مردم و پیروان استنتاج و استخراج کرد، ولی در مورد چگونگی رفتار مدیران و رهبران در سطح سازمان و نیز مدیریت اسلامی در سطوح سازمانی منابع چندانی وجود ندارد.

۵- وجود ابهام در معنا و مفهوم مدیریت اسلامی  
یکی دیگر از موانع موجود در فراروی مدیریت اسلامی، وجود ابهام در معنا و برداشت از آن است که منجر به این برداشت می شود که مدیریت اسلامی ملازم با نوعی توصیه های اخلاقی است و از طریق توصیه نیز نمی توان سازمانها و یا کشور را اداره کرد و در مقابل مدیریت غربی کاربردی است و دارای راه حل های کاربردی برای مدیریت سازمان ها در شرایط و وضعیت های مختلف است. از سوی دیگر به نظر می رسد تقدسی که در واژه اسلامی وجود دارد نیز موجب می شود تا محققینی که اطلاعات و دانش خود را در اسلام اندک و ضعیف می بینند، از بیم انتقادهایی که احتمالاً از آنها به عمل خواهد آمد، از پرداختن به

مدیریت اسلامی احتراز و پرهیز نمایند. چه این گمان در اذهان وجود دارد که پرداختن به هر آنچه که «اسلامی» است تنها در صلاحیت حاملان دین و روحانیون است و سایرین را بدان ورطه راهی نیست و این امر موجب شده است که صاحب نظران علوم مدیریت از باب «احتیاط» کنکاش در زمینه مدیریت اسلامی را به «اهل» آن واگذارند و وارد آن نشوند.

۶- از دیگر موانع فرا راه مدیریت اسلامی، نبود نگاه راهبردی به مدیریت اسلامی در سطوح سازمانی است که به محدودیت منابع و نگرش های متفاوت از مدیریت اسلامی باز می گردد. به نظر می رسد در جامعه فعلی ما، مشکلات و مسایلی که دامن گیر زمینه های مختلف حیات جامعه است مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... دامن گیر مدیریت نیز هست.

۷- بی توجهی به انجام تحقیقات متفاوت درخصوص مدیریت اسلامی

از مهم ترین فعالیت هایی که می تواند موجب رونق و شکوفایی علوم مختلف شود، انجام تحقیق ها و پژوهش های متفاوت و مکرر، مورد آزمون و نقد قراردادن آنها و اجرای آنها در عمل و رفع نواقص و ضعف های آنها است. این امر در بسیاری از علوم غربی که به تجربه و آزمون نیاز دارند انجام شده و در عمل موجب پیشبرد آن و شکوفایی بیشتر آن شده است، در حالی که در زمینه مدیریت اسلامی در سطوح سازمانی، تحقیق و پژوهش به ندرت صورت گرفته است. از مهم ترین دلایل آن شاید ضعف زمینه های نظری (در سطوح سازمانی) و نداشتن اعتماد به نفس محققین در یک کار پیشگامانه است.

۸- موانع روانی پذیرش دیدگاه های تازه

اصولاً در پذیرش نظریه ها و دیدگاه های تازه، همواره موانع و مشکلاتی وجود دارد. ابهام در فهم چگونگی دیدگاه های تازه، عدم آشنایی با منطق و مبانی آن، نفوذ دیدگاه های سنتی و سیطره آنها و... از جمله موانعی هستند که فرا راه پذیرش مدیریت اسلامی قرار دارند.

## راه های برون رفت از موانع و مشکلات فرا راه مدیریت اسلامی

### ۱- اصلاح رابطه خود و خدا

از مهم ترین هدف های مدیریت اسلامی، به نظر این جانب، ایجاد محیط و بستر لازم برای رشد و تکامل نیروهای سازمان است و این کار بدون توجه به رسالت مدیر در جامعه اسلامی که همانا رهبری و ایجاد رابطه مرید و مراد با پیروان و کارکنان است، امکان پذیر نیست.

در این میان مدیران باید با افزایش ظرفیت هایی که خداوند در وجود آنها به ودیعه گذارده است، زمینه توجه به معرفت نفس، خودسازی و افزایش و بالنده کردن خصلت های متعالی را در خویش گسترده تر ساخته و از این طریق رابطه خود و خدا را اصلاح کرده و بهبود بخشند و سپس با بهره گیری از فنون و تکنیک های مدیریتی متناسب با وضعیت و موقعیت، امکان ایجاد محیط های مناسب تر را برای همکاران خود فراهم می کنند.

### ۲- خودباوری

رهایی از باور ناتوانی و رسیدن به خود باوری در هر زمینه نیاز به پیشگامانی شجاع، نستوه و عالم به آن موضوع دارد. در زمینه مدیریت نیز این امر صادق است و با تلاش دانشگاهیان و متخصصین و نیز آشنایان به علوم اسلامی که در مدیریت نیز دستی دارند، این راه در حال هموار شدن است.

### ۳- ارائه تعاریف مشخص و تبیین دقیق تر محدوده و مرزهای مدیریت اسلامی

یکی از مباحث مهم در زمینه مدیریت اسلامی، تبیین دقیق تر مفهوم، دورنما، اهداف، برنامه ها، ابزار و وظایف آن است. به نظر می رسد، مدیریت اسلامی به اعتبار «مدیریت بودن» می تواند و باید در ابتدای امر همان تکنیک ها و روش های مدیریت غربی را تا جایی که محدوده های ارزشی اجازه می دهد اتخاذ کرده و به بومی کردن و هماهنگ کردن آن با شرایط اجتماعی، فرهنگی، ارزشی، محیطی، تاریخی و... کشور ما بپردازند.

۴- انجام و ارائه ی تحقیق های بیشتر در خصوص مدیریت اسلامی در سطح سازمان این تحقیق ها باید در سطوح سازمان انجام شده و سپس به محک آزمون و تجربه گذاشته شود. انتشار تحقیق های انجام شده و نتایج آنها می تواند آشنایی بیشتر عموم و نیز دانشجویان، دانش پژوهان و صاحب نظران مدیریت را به توانایی و قابلیت های مدیریت اسلامی در افزایش بهره وری، اثربخشی، رضایت شغلی و .... موجب شود و حتی انتقاد از نظرهای منتشر شده و تلاش برای رفع نقاط ضعف آنها نیز می تواند به اعتلای این نظریه ها منجر شود.

۵- توجه به این که مدیریت غربی نیز می تواند در سطوح پایین تر مدیریت اسلامی مورد استفاده قرار گیرد مدیریت اسلامی در به کارگیری تکنیک ها می تواند از مدیریت غربی استفاده نماید، ولی خود دارای ویژگی ها و زمینه هایی است که مدیریت غربی (حداقل) تاکنون فاقد آن است و لذا به اعتقاد این جانب، مدیریت غربی در سطحی پایین تر از مدیریت اسلامی قرار دارد. در واقع در بسیاری از موارد، مدیریت اسلامی و مدیریت غربی در تقابل و ضدیت با هم نیستند و این نکته می تواند توسط محققین مدیریت اسلامی مورد تبیین بیشتر قرار گیرد.

### نتیجه گیری

به نظر می رسد مدیریت اسلامی بر مبنای ارزش های الهی اسلام، زمینه های تعالی انسان را فراهم می آورد. این امر چه در سطح جامعه (مدیریت و رهبری در جامعه اسلامی) و چه در سطح سازمان (مدیریت و رهبری سازمانی) مصداق دارد، در عین حال ذکر این نکته نیز ضروری است که این امر مغایرتی با به کارگیری اصولی که در مدیریت از نظر صاحب نظران غربی مورد قرار گرفته است، ندارد، مدیریت از دیدگاه صاحب نظران غربی، در واقع به کار بردن مجموعه ای از تکنیک ها و روش های ابزاری است تا مدیر و سازمان (در سطح بالاتر، جامعه) را به اهداف تعیین شده برساند. این امر فی نفسه چندان بد و مذموم نیست.

نکته ی پایانی این است که مدیریت اسلامی واجد خصوصیات و ویژگی هایی است که می تواند در موفقیت سازمان ها نقش اساسی ایفا نماید، این ویژگی ها در بطن دستورها، توصیه ها، نظرها و شیوه های به کار گرفته شده توسط پیشوایان دین حضور و وجود عینی داشته است، ولی برای استفاده از آن در سطوح سازمانی و کاربردی کردن آنها در سازمان ها، نیاز به کار پیشگامانه و دور از هراس و خود کم بینی صاحب نظران و عالمان مدیریت و تحقیق پژوهش مستمر در این جهت دارد.

### مراجع

۱. مشرف جوادی، م. ح. (۱۳۸۷)، "اصول و متون مدیریت در اسلام"، چاپ اول، انتشارات نور علم.
۲. عسگریان، م. (۱۳۷۰)، "مدیریت اسلامی"، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
۳. نبوی، م. ح. (۱۳۸۰)، "مدیریت اسلامی"، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴. قبادی، ا. (۱۳۷۸)، "اصول و مبانی مدیریت اسلامی"، قم، انتشارات فقه.
۵. ترابی کیا، ه. (۱۳۷۷)، "بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و رضایت شغلی اعضای هیئت علمی".